

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

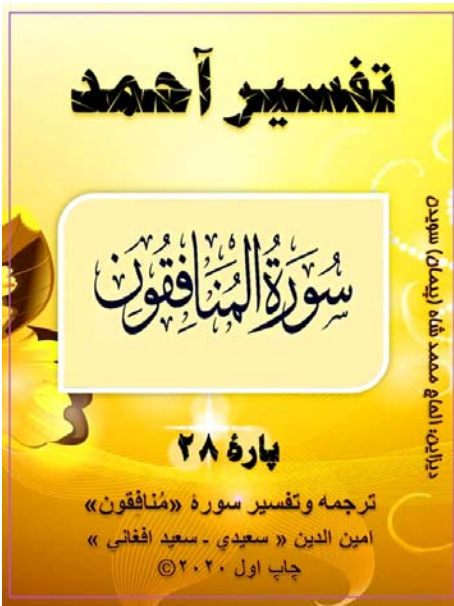
Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین "سعیدی- سعید افغانی"
۰۱ دسمبر ۲۰۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم

سورة مُنَافِقُونَ (۵)



سورة مُنَافِقُونَ در مدینه نازل شده و دارای یازده آیت و دو رکوع می باشد.

جهاد با شمشیر و جهاد با قلم:

پروردگار با عظمت ما در (آیت ۷۳ سوره توبه) می فرماید: « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَيُنْسِ الْأَمْسِرُ » « ای پیغمبر! با کفار و منافقین جهاد کن و بر آنها شدت کن (این عذاب دنیا است و در آخرت) جایگاهشان دوزخ است، و چه بد جایگاهی است (دوزخ).

حقیقت واضح همین است که جهاد با منافقان مانند: جهاد با کفار نیست، زیرا جهاد با منافقان با علم و بیان است و جهاد با کفار با شمشیر، تیر و تفنگ و آن به صورت مشخص تعریف شده و دقیق در مورد هدایت و رهنمود های دینی پیروی کردن است.

وجیه انسان است که در دهها امر و نص شرعی به صورت واضح بیان شده که انسان رسالتمند و مسلمان باید:

۱- به حق ایمان آورد،

۲- به حق و راه درست عمل کند،

۳- و در راه درست و حق یکدیگر را نصیحت و سفارش درست و مطابق شریعت اسلامی بدارد. چنانچه الله تعالی فرموده است که: «وَالْعَصْرُ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ» (العصر: ۱-۳). (قسم به زمانه، که البته انسان در خساره است، به جز آنانی که ایمان آوردند و اعمال نیک انجام دادند و یکدیگر را به حق توصیه کردند، و یکدیگر را به صبر (در راه حق) توصیه کردند.

اما در دین مبین اسلام برای دعوت و خدمت حق عمدتاً روش: « ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ » (آیت ۱۲۵ سوره نحل) (مردم را) با حکمت

و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت بده و با آنها به شیوه ای که نیکوتر است مجادله کن. همانا پروردگارت به حال کسی که از راه او گمراه و منحرف می‌شود آگاهتر است، و به هدایت یافتگان داناتر است.)
درین جا بعد از رساندن سخن و موضع حق اسلامی و شرعی برانسان با مسؤولیت است که در انتخاب موضع درست شرعی به رضا و رغبت اعتقادی انتخاب راه درست کند و ان شاء الله پاداش الهی خواهد داشت .
اما اگر انتخاب درست را انسان منع کرد بر مسلمان است که به کار تنویری ادای رسالت کند و حق را بیان بدارد که مورد قبول قرار گیرد.

صحابی جلیل القدر اسلام ابوسعید الخدری رضی الله عنه فرموده است: از پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: «من رأی منکم منکرًا، فلیغیره بیده، فإن لم یستطع فبلسانه، فإن لم یستطع فبقلمه، وذلك أضعف الإیمان» یعنی: (هرگاه شخص شما با مورد ناشایسته برخورد نماید باید با دست خویش مانع از ادامه یافتن آن گردد و در صورتی که (امکان ممانعت توسط دست) برایش مقدور نباشد باید با زبانش (گفتارش) مانع از ادامه یافتن آن شود و در صورتی که (امکان ممانعت با زبان) برایش ممکن نباشد باید با قلب خویش (که از طریق بد دانستن آن اقدام تحقق می یابد) نسبت به برخورد با آن اقدام بورزد) صحیح مسلم

حدیث یادشده به عنوان یکی از قوانین دین مبین اسلام و یکی از فورمول های ذی حکمت تلقی می گردد و بیانگر آن است که فراخوانی به سوی اقدامات شایسته و بازداری از اقدامات ناشایسته (امر به معروف و نهی از منکر)، تکلیفی است که شخص مسلمان بر اساس توان خود باید نسبت به آن اهتمام و اقدام بورزد. (الجواهر الولویة (۳۱۵) الإلمام (۴۳۲)

امام نووی رحمة الله محقق و عالم بزرگ و مجتهد معتبر اسلامی در بخشی از شرح حدیث یادشده فرموده است: (روایت یادشده یکی از زرین ترین قوانین اسلام به شمار می آید (شرح صحیح مسلم اثر نووی رحمة الله (۲/۲۴۷ ح ۴۹)
قصری رحمة الله فرموده است: «قوی ترین و سست ترین شاخه ایمان در تکلیف فراخوانی به سوی اقدامات شایسته و بازداری از اقدامات ناشایسته (قبیح) نمود پیدا می کند به طوری که ممانعت موارد ناشایسته از طریق دست و زبان (گفتار)، بیانگر قوی بودن ایمان و بسنده نمودن به ممانعت موارد ناشایسته از طریق قلب (بد دانستن آنها) بیانگر سست بودن ایمان است» (فیض القدیر (۶/۱۶۹ ح ۸۶۷۸)

شیخ الاسلام قاضی یکی از معروفترین دانشمندان مغرب و اندلس در قرن پنجم و ششم قمری می فرماید که: «روایت یادشده به عنوان یک قانون اساسی در شیوه برخورد با موارد ناشایسته تلقی می گردد» (شرح صحیح مسلم اثر نووی رحمة الله (۲/۲۳ ح ۷۸)

توضیح مختصر در مورد حدیث :

«من رأی» یعنی: (هرگاه شخصی رامشاهده نمود) چندین حالت دارد:
حالت اول : مشاهده دیداری است ،

و حالت دوم: مشاهده از طریق آگاهی واطلاع یابی از سایرین است که حالت دوم کمی وسیعتر می باشد.

«منکم» به معنای (شخصی ، از شما) است و خطاب به کلیه مسلمانانی که به سن رشد (بلوغ) رسیده و توان تشخیص دارند است.

«منکرًا» خلاف معروف، به مفهوم (موردی ناشایسته) است و شامل هر کردار و گفتار خرد و کلانی که شریعت اسلام از روی آوری به آن بازداشته است می گردد.

«فلیغیره» یعنی: (باید با آن برخورد نماید (و اجازه ادامه یافتن را به آن ندهد)

«بیده» به مفهوم (با دستش، نسبت به برخورد و ممانعت از اقدام خلاف معروف اقدام بورزد)

«فإن لم يستطع» به معنای: (در صورتی که، اقدام با دست برایش مقدور نگشت) که از وقوع این کار یا عمل بنابر عوامل و یا هم بنابر خطری از آن جلوگیری کند، بناءً به شیوه دوم یعنی: «فبلسانه» که عبارت از جلوگیری و ممانعت گفتاری اقدام نماید.

«فإن لم يستطع» خاتمه و پایانی کار است این: بدین مفهوم است که اگر شخص بازدارنده بنابر به دلیل امکان ممانعت از عمل خلاف معروف نداشته باشد، در این صورت باید به مرحله: «فبقلبه» یعنی: (با ناپسند دانستن آن مورد، از طریق قلبش) با آن برخورد نماید.

روایت یادشده بیانگر واجب بودن هر یک از سه شیوه یاد شده می باشند، این بدین معنی است که اگر امکان ممانعت و جلوگیری از عمل خلاف معروف به طور فزیزی برای شخص مهیا و مساعد باشد در این صورت بسنده نمودن به بازداری گفتاری تکلیف الهی را از وی بر نمی دارد و اگر امکان جلوگیری گفتاری برای شخص فراهم باشد در این صورت بسنده نمودن به ناپسند دانستن آن اقدام ناروا، موجب برداشته شدن تکلیف از وی نمی گردد.

«وذلك أضعف الإيمان» یعنی: (وفردی که به ناپسند دانستن اقدام ناروا بسنده می کند، دارای ضعیفترین ایمان است) در رعایت شیوه های فوق مبارزه در امر بالمعروف ونهی عن المنکر، حکمت بزرگ الهی نهفته است که باید دقت همه جانبه به عمل آید ولی باید گفت که همه علمای اسلامی در این مورد متفق قول اند که: طریق بازدارنده فزیزی از منکر و استعمال قوه کار حاکمیت اسلامی است.

شکست بزرگ:

انسان منافق با اعمال مزدورانه خود، درهای رحمت خداوند را بر روی خود بسته و درهای عذاب را به روی خود باز می کند: «يَوْمَ يَقُولُ الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بِيَنَّهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ» (سوره: الحديد: ۱۳) (روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می گویند: درنگی کنید (و به ما بنگرید) تا از نورتان سهمی حاصل کنیم. گفته می شود: به عقب برگردید و (در آنجا) نور بجوئید. پس میان آنان دیواری زده می شود با دری که داخل آن رحمت و جانب بیرون آن رو به عذاب است.) از پروردگار با عظمت می خواهیم که ما را از نفاق و از اعمال منافقان که واقعا مریضی و حالت مهلک، خطرناک و کُشنده می باشد، نجات دهد. **آمین یا رب العالمین**

مکثی کوتاهی بر بعضی منابع و مآخ:

تفسیر «احمد»

۱- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم:

تألیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول تألیف: علامه جلال الدین سیوطی ترجمه: از عبد الکریم ارشد فاریابی.

۲- تفسیر انوار القرآن:

تألیف عبدالرؤف مخلص هروی، «تفسیر انوار القرآن» گزیده ای از سه تفسیر: فتح القدیر شوکانی، تفسیر ابن کثیر و تفسیر المنیر و هبه الزحیلی می باشد.

۳- تفسیر معالم التنزیل - بغوی (متوفی سال ۵۱۶ هـ):

تفسیر البغوی تألیف حسین بن مسعود بغوی می باشد. این تفسیر به زبان عربی نوشته شده ، و از تفسیر الکشف والبیان ثعلبی بسیار متأثر می باشد.

۴- تفسیر زاد المسیر فی علم التفسیر:

تألیف: ابن جوزی ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۵۱۰ هجری / ۱۱۱۶ میلادی - ۱۲ رمضان ۵۹۲ هجری) («زاد المسیر فی علم التفسیر» مشهور به «زاد المسیر» ، تفسیر متوسط ابن جوزی میباشد که :که این تفسیر خلاصه از تفسیر بزرگ وی بنام المغنی فی تفسیر القرآن می باشد.)

۵- البحر المحیط فی التفسیر القرآن: ابو حیان الأندلسی:

تألیف: محمد بن یوسف بن علی بن حیان نفری غرناطی (۶۵۴ - ۷۴۵ ق) مشهور به ابوحیان غرناطی. تفسیر «البحر المحیط» به زبان عربی می باشد.

۶- تفسیر تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر:

تفسیر القرآن العظیم تألیف عماد الدین اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی (متوفی ۷۷۴ ق) مشهور به ابن کثیر. (جلال الدین سیوطی، مفسر و قرآن شناس بزرگ اسلامی می فرماید: ابن کثیر تفسیری دارد، که در سبک و روش همانندش نگاشته نشده است.)

۷- تفسیر بیضاوی:

یا «أنوار التنزیل و أسرار التأویل، مشهور به «تفسیر بیضاوی» در قرن هفتم هجری به زبان عربی نوشته شده. تألیف ناصرالدین عبد الله بن عمر بیضاوی (متوفی سال ۷۹۱ هـ)

۸- تفسیر الجلالین « التفسیر الجلالین »:

مؤلف جلال الدین محلی و شاگردش جلال الدین سیوطی (وفات جلال الدین محلی سال ۸۶۴ و وفات جلال الدین سیوطی سال ۹۱۱ هـ) این تفسیر در قرن دهم هجری به زبان عربی و از معدود تفاسیری است که توسط چند عالم نوشته شده است.

۹- تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن - طبری:

محمد بن جریر طبری متولد (۲۲۴ و وفات ۳۱۰ هجری قمری) در بغداد ویا (۸۳۹ - ۹۲۳ میلادی) وی یکی از محدثین ، مفسر مؤرخ مشهور سده سوم قمری است .

۱۰- تفسیر ابن جزی التسهیل لعلوم التنزیل:

تألیف محمد بن احمد بن جزی غرناطی الکلبی مشهور به جُزَی (متوفی ۷۴۱ ق) یکی از مؤجرتین و در عین حال مفیدترین و فراگیرترین تفاسیر مغرب اسلامی است.

۱۱- تفسیر صفوة التفاسیر:

تألیف محمد علی صابونی (مولود ۱۹۳۰ م) این تفسیر در سال ۱۳۹۹ ق نوشته شده است. نویسنده در تدوین این تفسیر از مهمترین و معتبرترین کتب تفسیر از جمله: تفسیر طبری، کشاف، قرطبی، آلوسی، ابن کثیر، البحر المحیط و... استفاده به عمل آورده است.

۱۲- تفسیر ابو السعود:

«تفسیر إرشاد العقل السلیم إلى مزايا الكتاب الکریم» تألیف: مفسر شیخ ابوالسعود محمد بن محمد بن مصطفی عمادی (متوفی ۹۸۲) از علمای ترک نژاد می باشد.

۱۳- تفسیر فی ظلال القرآن:

تألیف: سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی (متوفی سال ۱۳۸۷ هـ) .

۱۴- تفسیر الجامع لاحکام القرآن - قرطبی:

نام مؤلف: الام ابو عبد الله محمد بن احمد الانصاری القرطبی (متوفی سال ۶۷۱ هجری)

۱۵- تفسیر نور دکتر مصطفی خرم دل:

نام کامل تفسیر نور : «ترجمه معانی قرآن» تألیف : دکتر مصطفی خرم دل از کردستان : (متولد سال ۱۳۱۵ وفات ۱۳۹۹).

۱۶- تفسیر المیسر:

تألیف: دکتر عایض بن عبدالله القرني (اول جنوری ۱۹۵۹ مطابق ۱۳۷۹ میلادی)

۱۷- تفسیر معارف القرآن:

مؤلف: حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا شیخ الحدیث حضرت مولانا محمد یوسف حسین پور

۱۸- تفسیر خازان:

نام تفسیر : « لباب التاویل فی معانی التنزیل خازان » تألیف: علاء الدین علی بن محمد بغدادی مشهور به خازان (متولد ۶۷۸ و متوفای ۷۴۱ هجری می‌باشد).

۱۹- روح المعانی (الوسی):

تفسیر «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم» اثر محمود أفندی الوسی است. (۱۲۱۷ - ۱۲۷۰ق)

۲۰- جلال الدین سیوطی:

«الاتقان فی علوم القرآن « تفسیر الدار المنثور فی التفسیر با لمأثور «

مؤلف : حافظ جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر سیوطی شافعی . (۱۴۴۵ - ۱۵۰۵م)

۲۱- زجاج: « تفسیر معانی القرآن فی التفسیر»:

مؤلف : أن الزَّجَّاج أو أبو إسحاق الزَّجَّاج أو أبو إسحاق إبراهيم بن محمد بن السرى بن سهل الزجاج البغدادي است (۲۴۱ هجری - ۳۱۱ هجری ۸۵۵ - ۹۲۳ - میلادی)

۲۲- تفسیر ابن عطیة:

نام کامل تفسیر: «المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز ابن عطیة» بوده

مؤلف آن : أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطیة الأندلسي المحاربي (المتوفی: ۵۴۲هـ)

۲۳- تفسیر قتادة:

أبو الخطاب قتادة بن دعامة بن عكابة الدوسي بصرى (۶۱ هـ - ۱۱۸ هـ، ۶۸۰-۷۳۶م)

وی از جمله تابعین بوده ، وی علم لغت و تاریخ عرب و نسب شناسی، حدیث، شعر عرب، تفسیر، علم داشت و حافظ بود، در بصره عراق زندگی به سر برده ولی نابینا بود. امام احمد حنبل درباره او می‌گوید: «او با حافظه‌ترین اهل بصره بود و چیزی نمی‌شنید مگر این که آن را حفظ می‌کرد، من یک بار صحیفه جابر را برای او خواندم و او حفظ شد.» حافظه او در طول تاریخ ضرب‌المثل بود. او در عراق به مرض طاعون در گذشت.

۲۴- تفسیر بیضاوی:

تفسیر البیضاوی (انوار التنزیل و اسرار التاویل) مؤلف : مفسر کبیر جهان اسلام شیخ ناصرالدین عبدالله بیضاوی .

۲۵- تفسیر کشاف مشهور به تفسیر زمخشری.

« تفسیر الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل » مشهور به تفسیر کشاف. مؤلف: جارالله زمخشری (۲۷ رجب ۴۶۷ - ۹ ذیحجه ۵۳۸ هـ)

۲۶- تفسیر مختصر:

تفسیر ابن کثیر: مؤلف: ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری مشهور به جریر طبری متولد ۲۲۴ وفات ۳۱۰ هجری قمری در بغداد (۲۱۸ - ۳۰۱ هجری شمسی). تاریخ طبری مشهور به پدر علم و تاریخ و تفسیر است

۲۷- مفسر صاوی المالکی:

«حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین فی التفسیر القرآن الکریم» مؤلف: احمد بن محمد صاوی (۱۱۷۵-۱۲۴۱ق) است.

۲۸- فیض الباری شرح صحیح البخاری: داکتر عبد الرحیم فیروز هروی

۲۹- صحیح مسلم - و صحیح البخاری: (گرد آورنده: مسلم بن حجاج نیشاپوری مشهور به امام مسلم که در سال ۲۶۱ هجری قمری وفات نمود).

وگرد آورنده صحیح البخاری: حافظ ابو عبد الله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه بخاری (۱۹۴ - ۲۵۶ هجری)

۳۰- سعید حوی:

حَوّی، سعید، حَوّی، سعید، مفسر «الاساس فی التفسیر» (یازده جلد؛ قاهره ۱۴۰۵)، که از مهم‌ترین و اثرگذارترین آثار حوی به شمار می‌آید.

۳۱- مفردات الفاظ القرآن: از راغب اصفهانی. (خیر الدین زرکلی در کتاب «الأعلام» گفته: او اهل اصفهان بود اما در بغداد سکونت گزید، ادیب مشهوری بود، و در سال ۵۰۲ هجری قمری وفات کرد). امام فخرالدین رازی در کتاب «تأسیس التقدیس» در علم اصول ذکر کرده که راغب از ائمه اهل سنت است و مقارن با غزالی بود. (بغیة الوعاة ۲ / ۲۹۷، و أساس التقدیس صفحه ۷). .